

## ضرورت تاریخی استقرار حاکمیت ملی

هممیهنان،

نمایش انتخابات پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در دو مرحله به پایان رسید و، به‌رغم تبلیغات گسترده و پرهزینه، مردم آشکارا نسبت به فراخوان سران جمهوری اسلامی بی‌تفاوت ماندند و، با پشت کردن به این خیمه‌شبیازی تکراری، رشد ملی خویش را به منحصی ظهور رسانیدند. در این راستا، بی‌شک، روشنگری‌های سازمان‌های سیاسی مخالف با روند یکه‌تازی، که از آغاز انجام هر گونه انتخابات در جو اختناق‌آمیز کشور را نادرست و دسیسه‌ی تازه‌ای برای ظاهر آراسته دادن به بساط انحصارگری تلقی می‌کردند، در تصمیم‌گیری همگانی به دست رد زدن به سینه‌ی سران جمهوری اسلامی، بیشترین نقش را داشت.

با شگفتی بسیار، برکرسی قدرت‌نشستگان برای نگه‌داشت پایه‌های لرزان زمامداری خویش حتی در فاصله‌ی کوتاه میان دو مرحله نمایش انتخابات نه تنها از کردارهای خشن دست برداشتند، که هجوم نیروهای سرکوبگر و ضرب‌و‌شتم زنان و مردان بی‌دفاع بعدی گسترده‌تر یافت و بر حصر آزادی‌های فردی و اجتماعی افزوده گردید و حتی گریبان بسیاری از خودی‌ها را نیز گرفت و جناح‌های رنگارنگ دست‌اندرکاران در برابر یکدیگر به صف‌آرایی پرداختند و کشور صحنه‌ی تاخت‌وتازهای تازه گردید.

اینک، در آستانه‌ی آغاز دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی، با شدت یافتن هرج‌ومرج اقتصادی و پیامدهای عمده‌ی آن، کاربرد سیاست‌های ستیزآمیز، تبعیض‌های گوناگون و پای‌مال شدن تمامی اصل‌های شناخته‌شده‌ی حقوق بشر، آینده‌ی تیره‌وتار در برابر کشور رخ نموده و همگان را به‌سختی نگران کرده است. در این میان، سران جمهوری اسلامی با همه‌ی اختلاف‌های آشکار و پنهان به ادامه‌ی سلطه‌ی جهنمی خویش می‌اندیشند و نه تنها درصد دست‌یابی به رهیافت‌های ملی برای گذر از ورطه‌ی هولناک کنونی نیستند، که به تیره‌روزی مردم دامن می‌زنند تا شاید آنان را از منش انسانی تهی کرده و اراده‌ی حوقل‌بلی را از یکایک ایشان سلب نمایند؛ ولی، همان طور که دیده می‌شود، موج ناخشنودی و پرخاش می‌رود فراگیر گردد و، با آنکه نیروهای انتظامی و امنیتی و دارودسته‌های وابسته به آنان سراسر کشور را به گونه‌ی سرزمین‌های اشغالی درآورده‌اند، مردم بیش‌و‌کم به رویارویی و ایستادگی پرداخته و صدای آزادی‌خواهی بار دیگر طنین افکنده و به‌ویژه جوانان را به چاره‌گری واداشته است.

گرچه هنوز زدوبندهای پشت‌پرده با پادرمیانی شورای نگهبان به گونه‌ی یکی از اصلی‌ترین نمادهای یکه‌تازی برای گسیل شمار بیشتری از دست‌آموزانی که جایگاه نمایندگی مردم را غصب می‌کنند دنباله دارد؛ ولی ترکیب دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی هر چه باشد از هیچ اعتباری در دیدگاه مردم این سرزمین برخوردار نیست و از هم‌اکنون بر همه‌ی تصمیم‌گیری‌های آن خط بطلان کشیده شده است.

ایرانیان با خودداری از شرکت در انتخابات نمایشی به جمهوری اسلامی «نه» گفته‌اند و دولت‌های کوچک و بزرگ جهان را نیز هشدار می‌دهند که به تصمیم‌گیری تاریخی یادشده ارج نهند و، در راستای سود و صلاح خود، به هیچ وجه در پی تحصیل امتیاز یا بده‌وبستان با زمامداران یکه‌تاز کنونی نباشند، زیرا که مردم هیچ تعهدی در برابر آن نخواهند داشت.

اینک، اساسی‌ترین گام برای چیرگی بر بحران سنگینی که کشور را در کام سیاه خود فروکشیده و شیرازه‌ی زندگی

را به گسستن تهدید می‌کند برچیدن بساط یکه‌تازی است که جز از راه انجام یک انتخابات آزاد و گزینش نمایندگان راستین مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد.

از این رو، اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران پیش‌شرط‌هایی را که برای انجام انتخابات تجلی‌بخش اراده‌ی مردم ضرور می‌داند به شرح زیر گوشزد می‌نماید:

پدید آوردن فضای سیاسی باز از راه

– پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار و گردهمایی و جلوگیری از تجاوز گروه‌های فشار به هر عنوان؛

– آزاد گذاردن همه‌ی حزب‌ها و جمعیت‌های دگراندیش و نیز اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، و کانون‌ها، و به‌طورکلی نهادهای صنفی هر گروه اجتماعی؛

– اجازه‌ی نشر دادن به همه‌ی روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها، و کتاب‌های دارای بینش‌های گوناگون، برکنار از هر سانسور؛

– برروی هم، زنده‌داشت همه‌ی «حقوق ملت»، که در بیست‌وچهار اصل از فصل سوم قانون اساسی نیز پیش‌بینی گردیده است.

ایجاد ایمنی قضائی از راه

– بازگرداندن صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی دادگستری و برچیدن دادگاه‌های اختصاصی، جز آنچه در قانون اساسی پذیرفته شده است؛

– پایان دادن به کار نهادهای سرکوبگری که نام دادگاه‌های «ویژه‌ی روحانیت» و یا «انقلاب اسلامی» بدان‌ها داده شده است و تنها پاسداری از جو وحشت را بر عهده دارند؛

– رسیدگی به بزه‌های سیاسی در دادگاه‌های عمومی با حضور هیئت منصفه، به طور علنی، و با شرکت وکیل دادگستری؛

– آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی، که به هر عنوان در گوشه‌وکنار کشور در بند هستند، حتی اگر مورد دادرسی‌های فرمایشی قرار گرفته باشند؛

– دادن تأمین‌های لازم به انبوه ایرانیانی که ناگزیر به کشورهای بیگانه کوچ کرده‌اند برای بازگشت به میهن؛

– برروی هم، بازسازی و تقویت دستگاه دادگستری با ضابطه‌های ذکرشده در قانون اساسی، به گونه‌ای که همگان آن را نگره‌دارنده‌ی جان و حیثیت و حق خود بدانند و از هر ستمی در امان بمانند.

از این‌ها گذشته، اختیارهایی که شورای نگهبان با برداشت غلط از اصل نودونهم قانون اساسی به خود داده و دامنه‌ی آن را به تشخیص صلاحیت نامزدها و نیز دخالت در کارهای اجرائی کشانده است باید به‌کلی لغو گردد تا این نهاد به هیچ وجه نتواند به رأی مردم دست‌یازی کند و کرسی‌های نمایندگی را به شماری گوش‌به‌فرمان دستگامحاکم بسپارد.

اکنون بجاست بار دیگر، با نوسازی همبستگی همگانی و با تکیه بر حرکت‌های سنجیده، پیکار بر ضد استبداد واپس‌گرایانه و نقض حقوق انسانی و بیدادگری را گسترش داد و، از راه‌های شناخته‌شده در جهان ملت‌ها، برکرسی قدرت‌نشستگان را به شکست کشانید و یک گزینش ملی را با انجام پیش‌شرط‌های ذکرشده در بالا ترتیب داد.

بی‌شک نمی‌توان به جایگاهی درخور ایران با پیشینه‌ی درخشان فرهنگی آن دست یافت؛ مگر با بسیج توانایی‌های

همه‌ی زنان و مردان به پیروی از یک سیاست راهبردی آگاهانه که طلب کردن مردمسالاری را هدف داشته باشد.  
اتحاد حزبها و نیروهای ملی ایران (جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب  
مردم ایران، حزب ملت ایران)